
باکو توابعندن بیله‌لی حاج میرزا محمد رحیم

(بسمه الرحیم و به ثقتی)

هدیهٔ محقری است که به بندگان قدوة الاعاظم والاکابر
نواب سالار جنگ یوسف علی خان نصره الله بنصره بندگی شد

خادم الشریعة المطهره حاج میرزا محمد رحیم
ثقة الاسلام بلبلی بادکوبهٔ [illegible]

(۲۴ رجب ۱۳۴۵ هـ
۲۶ اسفندار ۱۳۳۶ ف
۲۹ جنوری ۱۹۲۷ م)

اوراق منشورهٔ اعضاء انجمن

اخوت اسلامیهٔ ایرانیان بمبئی

درجواب (اصفهانی و شرکاء) یا (سربرآوردگان

[illegible]

ایرانیان بمبئی)

دراوائل ماه ذیقعده سنه ۱۳۲۳ ه

درمطبعهٔ خلافت واقع ڈونگری پوسٹ نمبر ۹ طبع گردید



تنقیح ١٩٥٩ ٢٩٩١

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ الذی امر عبادہ بالاعتصام بحبل الاتفاق ونهاهم فی محکم کتابه المبین عن التفرقة والنفاق واوعد من انحرف عن طریق الوفاق وعادل عن صراطه المستقیم الی مسلک الشقاق والصلوة علی محمد المبعوث لتتمیم مکارم الاخلاق وعلی آله واهلبیته الطاهرین الامجاد الهادین الناس الی الرشد والرشاد وعلی اصحابه السالکین سبل الرشاد ولعنة اللہ علی اعدائهم ابد الآباد لجحدهم وبحق خالق العباد

امابعد برضائر حقیقت آثر اخوان مومنین مخفی وپوشیده نماند که چندی قبل ورقه ازطرف جناب ناظم التجار حاج میرزا هاشم اصفهانی مشتمل با مضاء ایشان وچند نفر دیگر که در سرلوحهٔ آن ورقه بخود عنوان (سربرآوردگان ایرانیان بمبی) داده اند متعلق بانجمن (اخوت اسلامیه ایرانیان بمبی) ورئیس آن حضرت ثقة الاسلام بروزنامهٔ خلافت فرستاده میشود ومدیر خلافت آن ورقه را درشماره (٨٠) جلد چهارم پنجم شوال سنه ١٣٤٣ھ موافق ٢٥ راپریل سنه ١٩٢٥ء نشر میدهد ومحرک حضرات سربرآوردگان بمبی یا اصفهانی وشرکاء بنشر این ورقه چه بوده آن باشد فقط همین قدر محقق است که بهانه ودست آویز ایشان برائے نشر این ورقه سرفرازنامچه ایست که بنام انجمن اخوت از حضرت اشرف رضاخان رئیس الوزراء درجواب تبریک

انجمن اخوت از فتح خوزستان آمده و آن سرفرازنامچه را انجمن اخوت محض افتخار در اخبار خلافت نشر داده اعضاء انجمن اخوت از چندین سال باین طرف جز خدمت به مسلمانان و بالخصوص با یرانیان چیز دیگر را مد نظر نکرده بلکه همه کس زیادتر از حد و بیش از انتظار اظهار اخلاص و ارادت نموده و در صورت امکان باز خواهد نمود امروز با کمال اسف اخوت نظر به سببیکه ذکر خواهد شد خود را مجبور میبیند که مدتی از وقت خود را بجواب آن ورقه لیکن با مراعات ادب و احترام صرف نماید و بجهت استحضار کامل عموم برادران اول کاغذ حضرت اشرف رضا خان دام اقباله را که بافتخار انجمن فرستاده اند نوشته بعد ورقهٔ سر برآوردگان را بتمام الفاظ و عین عبارات اش نقل کرده بعد بجواب ورقه می پردازد امید داریم همه برادران ایرانیان بفکر ترقی قومی بوده دست اتفاق بهم دهند و از نفاق و منافق کناره گیرند اگر نه بخیال راحتی و خوشی خود بوده دماغ خود را بزحمت خیال نیندازند خیر اگر نمیدهند شر نرسانند اللهم اهدنا و جمیع اخواننا المومنین الی الصواب و الی ما هو خیر لهم و لنا بجاه محمد و آله

صورت مکتوب حضرت اشرف رئیس الوزراء رضا خان
به آقای ثقة الاسلام بلبله

جناب آقای ثقة الاسلام بلبلهٔ بادکوبه رئیس انجمن اخوت ایرانیان مقیم بمبئی مراسلهٔ مورخهٔ پانزدهم دسمبر سنه ۱۹۲۴ع واصل از حسن نیت و احساسات قدرشناسانهٔ شما و آقایان اعضای انجمن کمال خرسندی و مسرت حاصل شد بحمد الله مطابق آمال ایرانیان وطن پرست قدرت دولت در سرتاسر صفحهٔ خوزستان مستقر و امنیت کامل حکم فرما است امتنان مرا از مراسم جشن و شادمانی که آقایان اعضاء انجمن بمناسبت ختام غائلهٔ خوزستان فراهم آورده اند ابلاغ فرمائید

ریاست وزراء رضا خان

صورت ورقه اصفهانی وشرکاء یا سربرآوردگان بمبئی درخصوص اخوت ورئیس آن

آقای مدیر خلافت درصفحهٔ اول اخبار خلافت نمرهٔ (۸۶) خطی که ازجانب شخصی که خود را ثقة الاسلام می نامد خدمت حضرت اشرف آقای سردار سپه عرض نموده وجوابیکه از حضرت معظم الیه رسیده درج شده ما ایرانیان بمبئی لازم میدانیم توضیح دهیم که نه از تاسیس آن انجمن مطلع ونه ثقة الاسلام را قائد ورئیس خود میدانیم بنابراین نمیدانم بچه جهت ووسیله واستحقاق مشارالیه میخواهد خود را رئیس ایرانیان بمبئی معرفی نماید لزوماً مطلب را حضور حضرت اشرف آقای سردار سپه رئیس الوزراء عرضه میداریم که هم رفع این سوء تفاهم شده و هم حقیقت حال ثقة الاسلام رئیس خیالی انجمن ایرانیان معلوم شود نیز خواهشمندیم از ثقة الاسلام که به آقای سردار سپه عرض کرده است برای فتح خوزستان جشنی از طرف انجمن اخوت گرفته سوال وجدا تحقیق شود در چه وقت وکدام نقطه وبواسطهٔ چه اشخاصی جشن مذکور انعقاد یافته ودر آن جشن کدام یک نفر ایرانی حضور داشت

محمد حسین شوشتری حاج محمد حسن دزفولی محمد حسن شوشتری حاج محمد علی شوشتری محمد حسین دهدشتی رئیس التجار سید اسدالله شوشتری محمد جعفر شوشتری ملک التجار میرزا احمد کازرونی حاج میرزا هاشم اصفهانی ناظم التجار محمد تقی افشار

ورقه جناب اصفهانی وشرکاء تمام شد

ما اعضاء انجمن اخوت اظهار تاسف می نمائیم بر عدهٔ معدودیکه خود را از سربرآوردگان ایرانیان محسوب میدارند واز وجود یک انجمنیکه همه آنها اطلاع از دارند وچندین سال است نقل مجلس همین حضرات است اظهار بی اطلاعی کرده نفی عضویت خود را هم مینمایند درحالتیکه یکی از امضاء کنندگان تقریباً ده سال قبل فیصلهٔ نزاع خود را که با یکی از اعضاء

اخوت داشت به انجمن حواله کرده بودند و انجمن یکی از اعضاء خود را برای فیصله از طرف انجمن معین نموده

یکی دیگر از امضاء کنندگان زیاده از یک سال عضو انجمن بوده و اسمش در جدول حاضر و غائب اعضاء هر هفته قید و نوشته شده و بخواهش اعضاء و بموجب یکی از مواد پروگرام آقای ثقة الاسلام نام او را از دفتر انجمن خارج کرده است و یکی دیگر از امضاء کنندگان آقازاده اش از روز اول تاسیس انجمن تا امروز عضو انجمن است مع هذا این حضرات سربرآوردگان چگونه اظهار بی اطلاعی از تاسیس انجمن اخوت مینمایند؟

سبب اینکه انجمن اخوت تا بحال به صدد جواب این مکتوب بر نیامد این بود که مدیر روزنامه خلافت در همان شماره که مکتوب سربرآوردگان را درج کرد جواب سخت لیکن معقولانه از طرف خود بقلم خود به جناب اصفهانی نیز داد و از انجمن و از رئیس محترمش دفاع کاملی فرمود و برای جواب انجمن مجالی باقی نماند لیکن مکتوب سربرآوردگان که دفعهٔ اولی درج شد فقط با امضاء جناب اصفهانی بود و از درج سائر امضاها بواسطهٔ مشبوه بودن امضاها در نظر او خودداری کرده بود مع هذا جناب اصفهانی آرام ننشسته به مدیر خلافت نوتس فرستاد که چرا اسامی سائر امضاء کنندگان را ننوشتی باید بنویسی خوب کرد خلافت هم نوشت و نشر داد آن هم خوب کرد اخوت باز بهمان جواب خلافت که سابق داده بود اکتفا کرد لیکن جناب میرزا هاشم اصفهانی باین هم اکتفا نکرده مکتوبش را دفعهٔ سوم در ورقهٔ خاص مطبوع مستقل با ترجمه بزبان گجراتی نیز علاوه به عبارت اردو و فارسی نشر داد معلوم شد به متانت مضمون مکتوبش عقیدهٔ کامله دارند لذا اخوت مجبور شد که جمله جمله ورقهٔ او را جواب داده عدم اهمیت او را بهمه معلوم نماید

این ورقه علاوه بر اینکه به صدای بلند و رسا میگوید که من مبتنی بر اغراض و مطالب سخت سست بنیاد است بر چندین جمله های مضحکه خیز نیز مشتمل است

جملهٔ اول اینکه امضاء کنندگان به خود عنوان سربرآوردگان ایرانیان بمبئی داده اند

اولاً اگر فرض کنیم که ثقة الاسلام خود بخود ثقة الاسلام گفته و این عیب است لیکن این عنوان سربرآوردگان را که بخود شان داده اند هزاران بار بدتر از و است خوب بود اول قباحت این را بفهمند بعد به ثقة الاسلام ایراد کنند بقول مدیر خلافت خوب بود این عنوان را با آنها دیگران بدهد

وثانیاً در زیر عنوان سربرآوردگان کسانے ورقه را امضاء کرده اند که عقیده نداریم که بعضے از سربرآوردگان آنها را در عرض خود بدانند اگر این عقیده را دارند ما نیز ممنونیم بعد از این آنها را در قطار و صف سائر سربرآوردگان میاوریم و ذکر می نمائیم و بهمین القاب تعظیم آنها را یاد می کنیم

وثالثاً مراد ایشان از سربرآوردگان چیست اگر خدمت ملت و دولت است هیچ کدام ازین اشخاص خدمت قومی نکرده اند مدرسه باز نه کرده اند بیمارخانه نساخته اند و مسافرخانه و جماعت خانه بنا نه کرده اند اگر مراد از سربرآوردگی پول است که باد می نازند ما دام که پول ایشان به درد ما ایرانیان نمیخورد با پول فارسی ها و هندو ها در نظر ما فرق نه دارد اگر متمولین فارسیها خود را سربرآوردگان بگویند حق دارند زیرا که دولتمندی آنها همه قسم اسباب عزت و افتخار قوم خود را فراهم کرده اند

در جملهٔ دوم میفرمایند (آن صاحب که بخود ثقة الاسلام میگوید) این جمله بچندین وجوه خنده آور است۔

وجه اول اینکه چند روز قبل سربرآوردگان هم با و ثقة الاسلام میگفتند و مینوشتند چه شد بعد از حصول غرض شخصی ثقة الاسلام شان حرمت اگر مرادشان از اینکه بخود ثقة الاسلام میگوید این است که خود را ثقة الاسلام امضا میکند خود سربرآوردگان هم خود را به لقب رئیس التجاری و ملک التجاری و ناظم التجاری در این ورقه و غیر آن امضا کرده اند و میکنند چه عیب دارد آن هم بکنند ضرر ی به گاو و گوسفند آنهم نداشت۔

وجه دوم اینکه او بخود ثقة الاسلام نه گفته عالم با ثقة الاسلام گفته و میگوید و خواهد هم
گفت حتی چند سال قبل از آمدنش به هندوستان سیاحین هند وغیره و جرائد مصر و عراق
و ایران و شام وغیرها او را ثقة الاسلام نوشته و در فرامین شاهی و اجازات و اسناد مجتهدین
بزرگ و در کاغذهای خصوصی اعلیحضرت شاه و امرا و وزرا و شاهزادگان او را ثقة الاسلام
نوشته و گفته اند که تمام این اسناد و اوراق نزد جناب ایشان موجود است هرکه میخواهد
بیاید مشاهده کند مخصوصاً آنریبل خواجه غلام الثقلین پانی پتی بی لے ایل ایل بی که پانزده
سال قبل سفر عراق و ایران و روسیه و ترکیا و مصر و شامات و حجاز کرده در سفرنامهٔ خود او را
ثقة الاسلام خوانده و از بزرگان عراقش شمرده و در اشخاص لائق دیده و مشهور و بعد
از نام چند نفر از اکابر مجتهدین عراق نام ثقة الاسلام را نوشته و مدرسه و کتب خانه و قرائت خانه
او را که در نجف اشرف به خرج کیسهٔ خود افتتاح کرده زیارت کرده و در مدرسه ثقة الاسلام
نطق نموده و این سفرنامه سیزده سال قبل طبع شده و در دست همه هست و نزد ثقة الاسلام
نیز موجود است و بالاتر از ثقة الاسلامی مجتهدین بزرگ او را مجتهد گفته و زهد و ورع و تقوای
او را در اعلی درجه نوشته و نماز جماعت را با او برای مسلمانان فیض عظیم شمرده اند و اسناد موجود
است و همه کس آزاد است که بیاید ببیند و عنقریب این اسناد محض قطع لسان بعضی
از مفسدین که میگویند کجا است اسناد اجتهاد او به طبع خواهد رسید تا معلوم همه شود که ثقة الاسلام
با این مقامات علمیه و با این بزرگی و مراتب و شهرت چه مقدار شخص متواضع و فروتنی است
که بخود عنوان ملائی نمی‌بندد و نفوذ روحانیت را اعمال نمی‌کند و اعیانیت و اشرافیت خود را
هم اظهار نمیکند و با غنی و فقیر و بزرگ و کوچک یکسان راه میرود و با عدم حاجتش با احدی
بهمه اظهار محبت مینماید۔

وجه سوم اینکه اگر از تمام این وجوه غمض عین شود سپاسنامه (ادرسیکه)
به ثقة الاسلام در افتتاح مدرسهٔ پسران ایرانیان بمبئی به طرز جدید این سربرآوردگان وغیرهم

امضا کرده داده اند (گویا او را فراموش کرده اند) شاهد قوی و گواه صادق است برآنکه خود
شان نیز او را ازده سال قبل ثقة الاسلام خوانده و نوشته اند و امضا کنندگان این
ادرس زیاد است لیکن از سر برآوردگان ایرانیان بمبئی که تا دیروز او را ثقة الاسلام گفته اند
و امروز میگویند خود بخود ثقة الاسلام میگوید و این ادرس یا سپاسنامه را امضا کرده اند یکی رئیس التجار
محمد حسین دهدشتی است که مخارج ادرس را هم لولهٔ نقره در حقیقت ایشان مرحمت فرموده
و عبارت ادرس املا و انشاء شیخ محمد حسن پسر حاج شیخ ابو القاسم نجفی کاشی است و امضاء
حاج شیخ ابو القاسم نیز درین ادرس است۔

دیگر آقا محمد جعفر ملک التجار شوشتری است و سومی آقا محمد حسن صاحب شوشتری
است و چهارمی آقا محمد حسین شوشتری است و امضا کنندگان دیگر نیز زیاد است لیکن آنها
چون ورقهٔ منشوره را امضا نکرده اند بذکر نام آنها حاجت نیست همین حضرات چهارگانه در عنوان
ادرس و سرلوحهٔ آن حاج میرزا محمد رحیم بلبلهٔ را (علاوه بر مروج الاحکام و ملاذ الانام) ثقة الاسلام
نوشته اند حالا چگونه در این ورقهٔ منشوره میفرمایند آن شخصی که خود را ثقة الاسلام می نامد و در آن
ادرس نیز ثقة الاسلام را مخاطب قرار داده عبارت ذیل را در حقش مینویسند و عین عبارت
این است و معلوم است که ترویج مذهب و تشیید دین و ملت و اداره نمودن معارف تأسیس
مدارس و ترتیب مکاتیب بطریق صحیح که از جملهٔ امورات عالیهٔ مهمه صعبهٔ ذو مشاق است
آنرا تفویض برجال خود نموده که از آن جمله است وجود مقدس مبارک عالی ادام الله بقاکم
که امروزه از رجال بزرگ عصر حالیهٔ خود هستید باکمال الکنی لسان و قصور بیان شکر ایزدی
را بجا آریم که سعادت ما ایرانیان بمبئی بواسطهٔ وجود مغتنم و مفیدهٔ شما مستنیر و روشن گردید

بشری لقد انجز الاقبال ما وعدا   وطالع السعد فی افق العلی صعدا

و بعد از چند سطر دیگر باز در آن ادرس مینویسند این خدمت بزرگ (یعنی افتتاح مدرسه)
که از وجود ایشان (یعنی ثقة الاسلام) بعالم بروز و ظهور رسیده عالم اسلام را منور و ما ایرانیان

را ممنون و تشکر نموده تا در آخر درس بعد از مسئلت از خدا دوام عمر و توفیق و حدیث ثقة الاسلام
را می نویسند با آواز جلی میگوئیم زنده باد و بلبلهٔ پاینده باد کوبهٔ پاشا سون حاجی میرزا محمد رحیم
و درس را ختم میکنند حالا چگونه شده است که از مسجد ممنوع هم می شود و یکنفر نیست
که بگوید که این ثقة الاسلام که یازده سال بشما خدمت مفت کرد و یک پول از شماها
نگرفت و چه قدر برایتام و فقرا شما داد و بر معارف شما خدمت کرد چه گناهی کرده
و برمال و جان کدام یک از شماها دست درازی کرده که این اجتماعات و گفتگوها
بر ضد ایشان میشود این ثقة الاسلام که معدّل و مصدّق همه اکابرین مجتهدین
نجف و کربلا و سامره است که اساتید مجتهدین امروزه هستند فرض کنیم که گناهکار
هم است در بمبئی که گناهکار خیلے است سر برآوردگان چرا بآنها تعرض نمیکنند و علاوه
بر این خود امضاء کنندگان که گناهشان بیشتر از دست.

جملهٔ سوم نشوره سر برآوردگان این است که میفرمایند (ما ایرانیان بمبئی لازم
می دانیم توضیح دهیم که نه از تاسیس آن انجمن مطلع و نه ثقة الاسلام را قائد و رئیس خود
میدانیم بنابراین نمیدانیم بچه جهت و وسیله و استحقاق مشارالیه میخواهد خود را رئیس ایرانیان
بمبئی معرفی نماید)

این جمله بچندین وجوه مضحک تر از جمله هائے پیش است.

اول اینکه این ده نفر بچه استحقاق بخود (ما ایرانیان بمبئی) میگویند آیا خودشان را
این ده نفر عبارت از همه ایرانیان بمبئی میدانند؟ در حالتیکه عدد ایرانیان بمبئی قریب
به پنج هزار نفر است و مشاهیرشان چندین برابر این ده نفر است چه طور آقایان می
فرمایند (ما ایرانیان بمبئی) بعد از این ما امضاء کنندگان ذیل بنویسند

دوم اینکه واقعاً هزاران ماشاء الله باین فهم و خیال که توضیح چه مطلب مهمی را لازم
دانسته اند گویا یکے از مطالب بزرگ مهمهٔ قومی و مذهبی است که سر برآوردگان توضیحش را

لازم می شمارند که سکوت خلل به دیانت وصدمه بقومیت آنها نزند و بعد از تسلیم اهمیت این مطلب احتیاجش به توضیح محض اختصار بچندین وجوه ازین جمله جواب می دهیم۔

اول اینکه همه شماها از تاسیس انجمن بآن قسمیکه در پیش ذکر شد خبر دارید وبفرض تسلیم که خبر ندارید اگر شماها از تاسیس یک انجمن خبر نداشته باشید چه طور میشود شماها در کدام انجمن اسلامی وقومی تا حال عضو بوده اید که ازین انجمن هم خبر داشته باشید و یا عضوش باشید۔

دوم اینکه چگونه خبر نداشته اید که بعضی از اعضا رکنندگان چندین وقتست که در خرابی انجمن کوشش میکنند۔

سوم اینکه لازم نیست هر انجمنیکه تشکیل میشود آن حضرات که خود را سربرآوردگان بنامند عضو او شوند یا مطلع شوند و در انجمن لازم نیست که تمام افراد قوم اناثاً و ذکوراً شریک شوند یا اگر چند نفر عضو نشده بر دارند در اخبار اعلان کنند که ما عضو فلان انجمن نیستیم و یا از تاسیس آن خبر نداریم عضو نیستید که نیستید خبر ندارید که ندارید سربرآوردگان بدانند که انجمن نزد تمام عالم عبارت است از عدهٔ محدودے و افراد خاصه که برائے خدمت به مقصد مذهبی یا قومی در یک نقطه جمع شوند خواه اعضا ر آن هزار شود یا صد یا بیست یا ده و بالجمله عدد خاصی براے اعضا انجمن کسی معین نه کرده و دخول عموم را هم کسے شرط نه کرده و خروج سربرآوردگان راهم مضر ندانسته اند مثلاً در خود بمبئی از مسلمانان و هنود و فارسی ها و انگلیس ها صدها انجمن است اگر چند نفرے ازین اقوام داخل در انجمن قومش نشد آیا باید در اخبار اعلان کند که ما از تاسیس انجمن خبر نداریم و عضوش نیستیم؟ یا عدم اطلاع آنها دلیل عدم وجود انجمن میشود؟ افسوس صد افسوس۔

چهارم اینکه انجمن اخوت در شب ۲۵ ج ۲ سنه ۱۳۴۱ھ که زیادتر از دو سال و چهار ماه است در بمبئی در تحت صدارت ثقة الاسلام تشکیل دیده و گرام آن چاپ شده و به تصویب حکومت محلیه رسیده و به نمایندهٔ دولت علیهٔ ایران آقاے میرزا اسد الله خان

نیع الملک دام اجلاله نیز همان اوائل تشکیل خبر داده شده واخبار خلافت ملخص پروگرام انجمن را همان وقتها اعلان کرده وکارنامه هائے اورا در سال گذشته از جلد سوم در نمبر ۲۴۹ وغیره نشر داده وهم چنین در نمبرات جلد چهارم وسربرآوردگان هم خبر دارند واگر هم برفرض خبر نداشته باشند اهمیتی ندارد۔

پنجم انیکه اگر امثال بعضے ازاین اشخاص امضاء کنندگان هم از سربرآوردگان باشند که وکالت ازهمه ایرانیان کرده بگویند (ما ایرانیان بمبئی از تاسیس انجمن اخوت مطلع هستیم ما ازقبیل این اشخاص هزار نفر ایرانی پیدا میکنیم که بگویند ما ایرانیان بمبئی از وجود اخوت خبرداریم

ششم انیکه این حضرات بچه استحقاق ادعائے سربرآوردگی ایرانیان کرده‌اند درحالتیکه باتفاق کل سکنۂ بمبئی آقائے مرزا علی محمد خان صاحب سولشر وآقائے میرزا علی اکبر خان جیج بزرگتر ومشهورتر ومعروف تر وباکمال تر ازهمه امضاء کنندگان است بنابراین ماهم نمیدانیم بچه جهت ووسیلۂ واستحقاق این امضاء کنندگان خود را سربرآوردگی ایرانیان بمبئی معرفی می نمایند که ماتا حال نه از سربرآوردگی الیشان مطلع هستیم ونه الیشان را سربرآوردۂ ایرانیان بمبئی میدانیم لذا ماهم محض تقلید وتعقیب طرز عبارت نویسی سربرآوردگان میگوئیم لزوما مطلب را هم بعموم ایرانیان بمبئی وهم بآقائے حضرت اشرف سردار سپه رئیس الوزراء عرضه میداریم که هم رفع سوء تفاهم شده و هم حقیقت حال کسر سربرآوردگان خیالی معلوم شود۔

هفتم آیا امثال آقا علی صاحب تمازی وآقائے حاج شیخ محمد شوشتری وحاج ابراهیم صاحب بوشهری وآقا محمد جعفر صاحب مولی شوشتری وآقائے حاج محمد غضنفر یزدی وآقائے حاج سید ابوالقاسم یزدی وآقای آقا میرزا عبدالله صاحب کازرونی وآقائے حاج محمد صادق صاحب شوشتری وکمپنی اتحادیه وآقایان تجار لاریها وحضرات شیرازیها که ذکر اسامی همه موجب تطویل است بقدر بعضے از امضاء کنندگان سربرآورده نیستند؟

هشتم اینکه خیلی عجب است که ده نفر میتوانند (با ایرانیان بمبئی) بگویند ما اخوت که اعضایش
چندین برابر این اشخاص است لفظ ایرانیان اگر بخود نسبت بدهند باید مسئول این ده نفر
بشوند۔

نهم اینکه سر برآوردگان این را هم بدانند که انجمن (اخوت اسلامیهٔ ایرانیان) نام است
که بر انجمن داده شده و معنی اش این است که هر مسلمان ایرانی با جامع بودن شرائط عضویت
میتواند در او داخل شود نه اینکه معنی اش این است که تمام مسلمان ایرانی عضو او باید باشد
چنانچه اگر یک نفر ایرانی مسلمان عضو او نشد اطلاق اخوت اسلامیهٔ ایرانیان بر او صحیح
نباشد برائے تفهیم عرض می کنیم که اگر شرکتے بنام (شرکت ایرانیان) تشکیل شد معنی
او این نیست که تمام ایرانی درین شرکت شریک است بلکه برائے امتیاز است از سائر
شرکت ها پس اخوت اسلامیه ایرانیان هم برائے امتیاز است از انجمن اخوت جرمنی ها
و فرانسویها و برای فرق است از انجمن فارسی ها و یهودی ها و ارامنهٔ ایرانی ۔

دهم اینکه ثقة الاسلام چه وقت ادعاے ریاست و قیادت شما ایرانیان بمبئی
را کرده است که شما اعلان نفی اش را میکنید او خود را همیشه خادم قوم میداند و بخدمت
مسلمانان افتخار مینماید و در دماغش خیال ریاست نیست و بر اخلاق و احوال حاضرهٔ
اغلب ایرانیان بمبئی هم متأسف است

یازدهم اینکه ثقة الاسلام در کاغذ و تلگراف سردار سپه رضا خان دام مجده در قبال
امضائی که کرده است رئیس ایرانیان بمبئی نیست که سر برآوردگان بهم خورده اند
و خیال شان متشتت گشته است بلکه رئیس انجمن اخوت اسلامیه ایرانیان بمبئی امضا
کرده است و حضرت اشرف رئیس الوزراء رضا خان هم بهمین عنوان کاغذ نوشته رئیس
ایرانیان ننوشته این هم راست است که ثقة الاسلام رئیس انجمن بوده است و بر فرض
رئیس هم نباشد چون مثل بعضی از صاحبان امضا هوائی ریاست در سر ندارد به عضویت

یکی از انجمن‌ہائی قومی در تحت صدارت ہر صدری مفتخر است۔

دوازدہم اینکہ بعد از اینکہ گفتیم کہ ثقۃ الاسلام ادعائے ریاست نکردہ و نمیکند و ننوشتہ بود در کاغذ سردارسپہ ہم رئیس اخوت امضا کردہ نہ رئیس ایرانیان دراین صورت فہمیدہ نمی شود فرمایش سر برآوردگان کہ میفرمایند (بنا براین نمیدانیم بچہ جہت و وسیلہ و تحقاق مشار الیہ میخواہد خود را رئیس ایرانیان ببمبئی معرفی بنماید) بکجا بر میخورد بچہ میچسپد و چہ تفریعی است وجہ مناسبتی باسابق خود دارد دیگر اینکہ خود سر برآوردگان معنی عبارت خود را الفرمایند

سیزدہم سر برآوردگان در ظرف دو سال و خودہ آیا ابدا رظافت را نمیخوانند و کارنامہ ہائے اخوت را نمیدیدند فقط کاغذ حضرت اشرف رضا خان را دیدند آن ہم امروز کہ غرض در میان بود بیک سطر عبارت سیزدہ اعتراض بس است در ہمین عدد ختم کنیم۔

در حملۂ چہارم سر برآوردگان میفرمایند (لزوماً مطلب را حضور حضرت اشرف آقائے سردار سپہ رئیس الوزراء عرضہ میداریم کہ ہم رفع سوء تفاہم شدہ و ہم حقیقت حال ثقۃ الاسلام رئیس خیالی انجمن ایرانیاں معلوم شود۔

این حملہ ہم کمتر از حملہ ہائے سابق نیست معلوم می شود این خبر در نظر سر برآوردگان یکے از مسائل مہمہ معضلۂ لاینحل است و اطلاعش زیادہ از حد لزوم دارد اگر این خبر را دادند گویا تمام نقصانات قومی ایشان تکمیل خواہد شد و آقائے سردار سپہ ہم تمام اصلاحات مہمۂ خود را کنار گذاشتہ بیش از بیش این مسئلہ را بنظر اہمیت نگاہ کردہ و از این قسم اطلاعات مسرور گشتہ کاغذ تشکر بیش خواہد فرمود و بر فطانتشان آفرین خواہد گفت۔

اولا ہر کس میخواہد بہ حضرت اشرف سردار سپہ اطلاع دہد لیست حاضر و سردار سپہ ہم (کہ خداوند نگاہش بدارد) حاضر است در اخبار اعلان کردن نمیخواہد عکس مرا بگیرید لازم ندارد بنویسند خبر بدہند

ثانیاً ثقۃ الاسلام بواسطۂ انجمن اخوت نزد سردار سپہ معروف نشدہ است کہ

از حقیقت حال انجمن یا ثقة الاسلام آگاهش کنند ثقة الاسلام کسی است که تقریباً بیست و پنج سال قبل در طهران (علاوه بر ملاقات وزراء و شاهزادگان) شرف ملاقات اعلیحضرت مظفرالدین شاه را حاصل کرده و در نجف هم که بوده با رجال بزرگ و وزراء دولتین علیتین اسلامیتین ترکی و ایران مکاتبه داشته و اعلیحضرت سلطان ترکی و اعلیحضرت شاه ایران او را میشناخته است و اعلیحضرت احمد شاه هم که به بمبئی تشریف آوردند با احدی غیر از ثقة الاسلام ملاقات نفرمودند و این شهرت های ثقة الاسلام قبل از تشکیل انجمن اخوت و قبل از معارفه و دوستی با سربرآوردگان بوده از زحمت سربرآوردگان به عزت نرسیده بلکه از مضافه او با ایشان از قدر و منزلتش کاسته شده باید هم کاسته بشود

وثالثاً سورتفاهم بحسب فهم سربرآوردگان است که امضاء رئیس انجمن اخوت را با رئیس ایرانیان یکی فهمیده اند اما در نظر دیگران خصوصاً آقای سردار سید با آن مغز بیدارش و فهم خداداد اش ابداً سوء تفاهمی نیست زیرا که لفظ دوتا است معنی اش هم دوتا است

رابعاً ثقة الاسلام بهتر از سربرآوردگان خیالی حقیقت حال را معلوم و بیان می نماید.

خامساً اطلاق رئیس خیالی از سربرآوردگان بر ثقة الاسلام شاید دروغ باشد زیرا که اگر ریاست ثقة الاسلام خیالی بود این همه نعره و فریاد و هیاهو و تأثر و نشر یاحة لازم نداشت بلکه به یک خنده مسخره آمیزی می گذشت معلوم می شود که ریاست ثقة الاسلام نزد سربرآوردگان واقعی است از این جهت طاقتشان طاق شده و در تب و تاب اند و شب و روز در دوندگی و اضطراب اند.

در جمله پنجم سفیر مایند (نیز خواسته است از ثقة الاسلام که به آقای سردار سید عرض کرده است برای فتح خوزستان جشنی از طرف انجمن اخوت گرفته شده سوال

وجداً تحقیق شود در چه وقت و کدام نقطه و بواسطهٔ چه اشخاص جشن مذکور انعقاد یافت و در این جشن کدام یک نفر ایرانی حضور داشت ـ

بعضی از خصوصیات این جمله هم کمتر از جمله هائے سابقه مورث تعجب نیست زیرا که آقائے سردار سپه تشکر از شادمانیکه آقایان اعضاء انجمن کرده اند فرموده اند و این شادمانی با جتماع اعضاء اخوت در مرکز خود و بخوشی کردن خود آنها نیز محقق می شود لازم نیست که از اول بمبئی تا آخر بمبئی که یازده میل است تعطیل عمومی نموده و تمام شهر را چراغان کرده سربرآوردگان هم حاضر شده شربت نوشند و اگر تشریف نداشته باشند جداً تحقیق فرمایند و اگر موافق تحقیق آنها نه شد اخوت را مجازات نمایند از کجا معلوم که بعضی از فتح خوزستان دلگیر نیستند اگر خوش بودند آنها هم جشن می گرفتند یا غریبانه مثل اخوت یک جائی جمع شده شربت می نوشیدند و خوشی میکردند

و مطلب دیگر نیز اینجا معلوم میشود و آن اینکه آقایان سربرآوردگان گویا غیر از ده نفر خودشان را ایرانی حساب نمی کنند و از اینجهت است سوال می کنند که در آن جشن کدام یکنفر ایرانی حضور داشت چون چند دشان نبوده و یا اعضاء اخوت که عددشان چندین برابر آنها است گویا ایرانی نمیدانند خدایا بهمهٔ ما ها توفیق خدمت کرامت فرما و قدر و قیمت وقت را با لشناسان که عزیزش شماریم و در لاطائل صرف ننمائیم ـ

ایں دعا از من و از خیل ملک آمین باد

ملخص اسناد ثقة الاسلام بلبلهٔ

الف سنا و قتیکه اسناد و اوراق اجازات علمیه و و ظائف اجتهادیه و خدمات ملیه آقائے ثقة الاسلام را از نظر گذرانیدیم و عبارات اکابر مجتهدین را که

اساتید مجتہدین امروزہ ہستند) مثل آیات اللہ العظام ۱۔ حاج میرزا حسین نجل میرزا خلیل طہرانی ۲ و اخوند ملا محمد کاظم خراسانی ۳ و حاج شیخ عبداللہ مازندرانی ۴ و آقا سید اسماعیل صدر عاملی ۵ و آقا میرزا محمد تقی شیرازی ۶ و اخوند ملا محمد علی نخجوانی ۷ و آقا میرزا محمد علی رشتی ۸ و آقائے شیخ الشریعۂ اصفہانی ۹ و حاج سید مصطفی کاشانی ۱۰ و حاج شیخ محمد حسین مازندرانی ۱۱ و آقا شیخ زین العابدین مرندی۔ ۱۲ و حاج سید علی داماد تبریزی ۱۳ و آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی ۱۴ و ہیئت علمیۂ علنیہ نجف اشرف ۱۵ و ہیئت علمیۂ مخفیہ نجف اشرف ۱۶ و مکتوب اخوند ملا محمد کاظم خراسانی ۱۷ و مکتوب حاج سید علی تبریزی ۱۸ و مکتوب اخوند ملا محمد علی نخجوانی ۱۹ و مکتوب حاج سید مصطفٰی کاشی ۲۰ و مکتوب شیخ الشریعۂ اصفہانی را بہ والد ماجد آقائے ثقۃ الاسلام ۲۱ و مکتوبات ہمیں جمج خمسۂ مذکورہ را در خصوص مؤسسات خیریہ آقای ثقۃ الاسلام بدقت تمام مطالعہ کردیم۔ علاوہ بہ ثقۃ الاسلامی و اسوۃ الفقہاء و المجتہدین و فخر الفقہاء المجتہدین عبارات ذیل را دران اوراق و مکتوبات (کہ در حق احدی از علماءٔ این قدر تمجید و توصیف ندیدہ بودیم) مشاہدہ کردیم و ما آن عبارت را بطور فہرست لمبر گذاشتہ نشر میدہیم و ہرکس بخواہد کہ بچشم خود اوراق اصلیہ را ملاحظہ فرماید موجود است مدیر جریدۂ اتحاد اگرچہ این مضامین را بزبان اردو نشر داد لیکن چون مضامین کاملاً در جریدہ ذکر نشدہ بود ما بعضے مضامین دیگر علاوہ بر آن نمودہ نشر میدہیم۔

مضامین منتخبہ از اوراق اجازات

۱۔ ثقۃ الاسلام در تمام وظائف اجتہادیہ مجاز ند ۲ در جمیع امور حسبیہ تصرفش مثل تصرف مجتہد مطلق است و حکمش نافذ است ۳ رد کلام او در احکام شرعیہ

مثل رد کلام امام علیہ السلام و خدائے جل شانہ است

۴ - از عارفین باحکام الہیہ اند ۵ خود دارائے وظائف اجتہادیہ اند محض بقصد نفس و شکستہ نفسی از ما اجازہ میخواہد ۶ خود اہلند کہ بدیگرے اجازہ دہند ۷ اجرائے احکام او اطاعت امام مفترض الطاعہ است ۸ در روایت احادیث کتب اربعہ مشہورہ نزد شیعہ موجب اجازہ کہ از مشایخ عظام تا منتہی شود با مام علیہ السلام داریم جناب ایشان را مجاز و ماذون بنودیم - ۹ بہ قصوی درجات علم و عمل و زہد و تقوی و احتیاط نائل شدہ ۱۰ جامع معقول و منقول است ۱۱ سرآمد ارباب فضل و دانش است ۱۲ از معارف علمائے دین است ۱۳ شخص با درایت و کفایت و ملت خواہ و نوع پرست و حریت بخش است ۱۴ از رؤساء ہیئت علمیہ نجف اشرف است ۱۵ مؤسس و بانی ہیئت علمیہ نجف اشرف است ۱۶ بانی و مؤسس اساس ہائے خیریہ است مثل مدرسہ مرتضوی و قرائت خانہ (لائبریری) و کتاب خانۂ عمومیہ و دار الصناعہ برائے ایتام در نجف اشرف و مثل مدرسہ (ناحیۂ مقدسہ) در سامرہ ۱۷ صرف کنندۂ مال زیاد از کیسہ فتوت خود برائے مدارس و ایتام و حریت شرعیہ و برائے بقا و دوام مجلس ملی ایران ۱۸ واجب است بر عموم مسلمانان اطاعت احکامیکہ از ناحیۂ شریفۂ ایشان صادر میشود و واجب است تعظیم و تجلیل لہ ۱۹ از علمائے عاملین بہ کتاب و سنت و از مروجین شریعت است ۲۰ مومنین بہ فیض نماز جماعت او فائض شوند ۲۱ گوی سبقت در علم و فضل از ہمگنان ربودہ اند و ذلک فضل اللہ یوتیہ من یشاء ۲۲ علماً و عملاً محل الطمینان میباشد ۲۳ عالم باعمل است ۲۴ نزد مجتہدین موثق است ۲۵ در تہذیب اخلاق باعلی درجہ رسیدہ است ۲۶ در تنقیح مدارک مسائل دینیہ زحمت زیادہ کشیدہ ۲۷ بہ مدارک احکام شرعیہ واصل شدہ ۲۸ خدمت بایشان

خدمت به شریعت است ۲۹ علاوه برجامعیتش علوم عقلیه ونقلیه را از علوم جدیده
نیز اطلاع دارند ۳۰ از مقتضیات عصر واقفند ۳۱ در کلیهٔ ایران و ممالک
اسلامیه مشهورند ۳۲ به تمدن ایران عملاً و مالاً خدمت زیاده کرده اند ۳۳
فرزند روحانی‌اش است ۳۴ صاحب رای مصاب ومعتمد وطرف شوری مادر امور
مهمه است ۳۵ با سلام واسلامیان خدمت بزرگی کرده است ۳۶ در دخول
لشکر روس با یران دراوائل سلطنت مشروطهٔ ایران به قصد جهاد با روس با مجتهدین کبار
وهیئت علمیه که در تحت صدارت او بودند از نجف اشرف حرکت کرده از اینجهت
نزد دولت روس مقصر شده ۳۷ پدر بوجود چنین پسر باید فخر کنند ۳۸ از
مبرزین حوزهٔ علم وشرف است ۳۹ در صفات حمیده در میان سلسلهٔ شریفهٔ
علمیه ممتازند ۴۰ اخوان مومنین قدر نعمت وجود او را بدانند ۴۱ در اخذ سهم امام
علیه السلام ورسانیدن آن به موارد شرعش ودر تصرف در جمیع امور حسبیه از
قبیل حفظ اموال ایتام وغیاب ومجهول المالک وموقوفات بی متولی خاص ووصایت
من لا وصی له مجازند ۴۲ داخل در اهل حل وعقد حوزهٔ اسلام است ۴۳
خدمت بجناب الشان موجب رضا وخوشنودی صاحب شریعت است
۴۴ در اتحاد اسلامیان زحمت زیاد متحمل شده ۴۵ منسوجات اسلامیه
ووطنیه را ترویج نموده ودر این باب مال زیاد خرج کرده

(ب) از طرف دیگر فرامین شاهانه جناب آقای ثقة الاسلام را از سلطان
محمد خان خامس رشاد دیدیم که با فرمان عالیشان سلطانی نشان طلای علمی نیز
بالیشان از طرف اعلیحضرت سلطان ترکیا عنایت شده

وفرمانهای متعدد ایران را دیدیم که با نشان نهایی درجهٔ دوم و درجهٔ اول
نشان طلای علمی مورد مرحمت شده اند وکاغذهای وزارت علوم ومعارف

ووزارت خارجہ وصدر اعظم بار ازنظر گذرانیدیم دیدیم او را بلقب ثقۃ الاسلام ومخصوصاً در فرمان سلطانئے بہ الفاظ قدوۃ الاماجد والاکارم وافندی وغیرہا از الفاظ تعظیم وتجلیل او را ذکر نمودہ وبر خدمات ملیہ واسلامیہ آن اعتراف کردہ اند کہ ذکر عبارت آنہا موجب تطویل است۔

ج علاوہ بر مجتہدین کبار کلیۂ عراق عرب وسلاطین عظام اسلام وامراء ووزراء فخام می بینیم بزرگان علماء ومرشدان اہل سنت نیز بفضل وعلم وبزرگی وخدمات اسلامیۂ آقای ثقۃ الاسلام نیز اعتراف کردہ اند از الجملہ کاغذہاے خصوصی وعمومی حضرت مستطاب قطب الاقطاب نقیب الاشراف بغداد سید عبد الرحمن المحض النقادری پوست نشین حضرت غوث اعظم شیخ عبد القادر گیلانی را خواندیم کہ حضرت ثقۃ الاسلام را بالفاظ تعظیم ذکر کردہ وبعموم اہالی ہند وبخصوص اہالی بمبئی احترامات ایشان را توصیہ وبہ خدمات اسلامیۂ آن جناب اعتراف وازغیرت اسلامیۂ آن تمجید کردہ وصاحب ہمت عالیہ اش گفتہ وازمشاہیر عراق ایشان را بشمار آوردہ

د بعضے از کتب مورخ شہیر جرجی زیدان مولف کتاب تمدن اسلامی وسیاحت نامۂ آنریبل خواجہ غلام الثقلین را دیدیم کہ در اول تصویر حضرت ثقۃ الاسلام را با جمعیت علمیۂ نجف اشرف کہ با ڈاکٹر ثریا بیک مفتش اتحاد وترقی مرکزی سلانیک عقد اتحاد اسلامی نمودہ در جلد اول کتاب مشاہیر الشرق اش چاپ کردہ نشر دادہ ودر دوم از مدارس وکتب خانہ وقرائت خانہ کہ حضرت ثقۃ الاسلام در نجف اشرف بنا کردہ واز کیسۂ خود خرج این اساسہا را می کرد۔ ومحمود آنریبل موصوف این اساسہا را مشاہدہ نمودہ تعریف زیاد کردہ ونیز نوشتہ است کہ حضرت ثقۃ الاسلام اتحاد اسلامیان را خدمت زیاد می کند ودر فرقۂ داگرات عراق عرب ممتاز است وبہ ضد دولت خودش روس قیام کردہ ودناغ پولتیکل دارد واثرش نزد حکام ووالیان دولت ترکی

زیاد است و از مشاهیر عراق و از اشخاص قابل دید است و جنابش را به لقب ثقة الاسلامی یاد کرده و هم چنین مجلهٔ المقتطف و الهلال منطبعهٔ مصر و سبیل الرشاد و مجلهٔ مصوره منطبعهٔ استانبول و جرائد مصر و ایران و عراق عرب و شام و غیرها در تمجید شخص آن جناب و مؤلفات نفیسهٔ آن مفصل نوشته اند که ذکر همه گنجایش این صفحات را ندارد.

۴- ادرس (سپاسنامه) را که دیدیم علما و اشراف و سربرآوردگان ایرانیان بمبئی بحضرت ثقة الاسلام از ده سال قبل از این در اوائل ورود شان به بمبئی بجهت افتتاح جناب ایشان مدرسهٔ ایرانیان بمبئی را بطرز جدید لطف فرموده اند و املاء و انشاء آن سپاسنامه را جناب شیخ محمد حسن کاشی و نجفی کرده و پدر بزرگوارش هم امضاء کرده است علاوه بر اینکه در آن او را به لقب ثقة الاسلامی یاد فرموده اند از مؤیدین دین و مذهب و از ناشرین علوم معارف و از رجال بزرگ عصر خود نیز شمرده اند

۵ علاوه بر آن خدمات کثیره که در اوراق و اسناد مجتهدین و سلاطین و غیرهما از ثقة الاسلام ذکر شده است اقای ثقة الاسلام بعد از آن نیز خدمات زیاد قابل الذکر به مسلمانان عراق عرب و ایران و هندوستان و غیرها کرده است که در آن اوراق ذکر نشده زیرا که تاریخ آن اوراق و اسناد قبل از پانزده و هیجده سال است و از جملهٔ آنها با عموم احرار هند خصوصاً با ارکنان خلافت همدردی ظاهر ساخته و با احرار خلافت سفر کراچی کرده و شیعیان هند را با عموم مسلمانان هند در مسئلهٔ جزیرة العرب و اماکن مقدسه هم آواز کرده و صدارت انجمن عتبات عالیات را که در لکهنؤ تقریباً پنج سال قبل تشکیل شده بود قبول کرده و خطبهٔ ریاست و صدارتش که فوق العاده شدید اللهجه بود جالب نظر حکومت هند شده امر به ضبط خطبه اش نموده تمام نسخه ها را ضبط کردند و با ایرانیان مثل شیر و شکر آمیزش کرده

وبه عالی و دانی بدون طمع مزد خدمت کرده و مدرسه دختران ایرانیان بمبئی را نیز از ده سال قبل برائے ایرانیان در بمبئ تاسیس کرده که امروزه بعضی دشمنان معارف تیشه بریشه اش می زند و صدارت انجمن (اخوت اسلامیهٔ ایرانیان) و ریاست (جمعیت جوانان اثنا عشری هندوستانیان) تا امروز دارا هستند و از جمله خدمات اخیرش دعوت کانفرنس آل انڈیا شیعه بود به بمبئی که بعد از هیجده سال از تاسیس برائے کانفرنس آمدن بمبئی ممکن نشده بود حتی تقریباً پنج سال قبل که مرحوم نواب فتح علی خان قزلباش که به بمبئی تشریف آوردند کوشش زیاد فرمودند با بزرگان بمبئی ملاقات کردند که شاید اہل بمبئی کانفرنس را دعوت دهند ممکن نشد و موفق نه گردید لیکن امسال وقتیکه کانفرنس از آقای ثقة الاسلام در ماه صفر هذه السنة خواهش دعوت نمود آقای ثقة الاسلام بر محترمین بزرگان بمبئی اظهار نمودند اول احدی از شیعیان بمبئی اظهار موافقت ننمودند بلکه اغلب مخالفت کردند چنانچه وفد کانفرنس که نیز آمد مأیوس برگشت لیکن آقائے ثقة الاسلام یواش یواش به حسن تدبیر و اعمال نفوذ عموم را باتفاق باین مسئله راضی کرده کانفرنس را دعوت دادند و پول زیاد و قابل که هیچ امید نه بود از فضل خدا و همت برادران دینی حضرات خوجه و ایرانی و هندوستانی جمع شد و باعزت و احترام کانفرنس در ماه مارچ گذشته ۱۹۲۵ء موافق ماه شعبان ۱۳۴۳ھ به بمبئی آمد و رفت الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً۔

خدام المسلمین
اعضائے (انجمن اخوت اسلامیه ایرانیان بمبئی)

